

**بدون زنان،
هیچ جنبش واقعی توده ای
نمی تواند وجود داشته باشد!**

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۷۴ - ۱۵ دی ۱۳۸۷

لایحه کاهش ساعات کار ، هجومی تازه به حقوق زنان

ایران و رژیم سکاندار آن یعنی جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته اند. این امر واضحی ست که سرمایه داران استثمارگر و دولتهای حامی منافع آنان هر بار که با بحران و رکود روبرو می شوند، می کوشند تا با تشدید استثمار و یورش به سطح زندگی بخور و نمیر میلیونها تن از کارگران و توده های زحمتکش، با گسترش اخراج ها و دامن زدن به بیکاری، با کاهش دستمزد و امکانات حداقل مورد نیاز کارگران و زحمتکشان و با سرکوب و ارباب و وضع قوانین ضد خلقی، بار بحرانهای اقتصادی خود را در حد امکان بر دوش کارگران و توده های تحت ستم سرشکن نمایند. روشن است که در پیشبرد چنین سیاستی زنان و نیروی کار آنان یکی از اولین و آسان ترین آماج های یورش ضد خلقی طبقه استثمارگر حاکم را تشکیل می دهند. به بیان دیگر تا نظام ارتجاعی سرمایه داری برقرار است، زنان و بویژه زنان کارگر و زحمتکش همواره اولین قربانیان این نظام ضد خلقی خواهند بود.

این حقیقتی ست که ما آن را در طول سه دهه حاکمیت سیاه رژیم جمهوری اسلامی نیز به عینه دیده ایم. بطور مثال در بستر بحران اقتصادی ای که در اواسط دهه ۵۰ گریبان نظام سرمایه داری وابسته ایران را گرفت (و در بستر آن انقلاب ۵۷ وجود آمد)، زنان یعنی نیمی از جامعه آماج اولین امواج یورش ضد خلقی ای قرار گرفتند که توسط حکومت جمهوری اسلامی در دفاع از منافع امپریالیستها و نظام سرمایه داری وابسته در ایران از همان فردای قیام به کارگران و توده های انقلابی سازمان داده شد. همه دیدند که تیغ اخراج های وسیع در درجه اول توده عظیمی از زنان فعال و مبارز ما را در بر گرفت که اتفاقاً سهم بسیار برجسته ای در پیشرفت مبارزات انقلابی توده ها بر علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستش در ایران داشتند. البته رژیم جمهوری اسلامی سعی می کرد (و می کند) تا تمامی این اعمال زن ستیزانه را با توجیحات ارتجاعی مذهبی و بطور مشخص در لفافه های اسلامی، به پیش ببرد تا اولاً در پس آن، ماهیت طبقاتی ضد خلقی خود را پنهان سازد و ثانیاً منافع اقتصادی سرشار حاصل از این اعمال تبهکارانه و زن ستیزانه برای نظام سرمایه داران زالو صفت وابسته را پنهان سازد.

رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی در نظر دارد تا با تصویب لایحه ای موسوم به "کاهش ساعات کاری زنان" هجوم تازه ای را به حیات و هستی زنان و بویژه زنان کارگر و زحمتکش سازمان دهد. به گزارش خبرگزاری های حکومتی در صورت تصویب این لایحه "ساعت کاری زنان متاهل براساس تعداد فرزند به میزان حداقل یک ساعت کاهش می یابد". تلاش برای تصویب این لایحه در شرایطی تشدید شده است که نرخ بیکاری زنان در جامعه تحت سلطه ما مطابق اعترافات خود بوقهای تبلیغاتی به حدود ۴۰ درصد می رسد. به این ترتیب، با اجرای این سیاست ضد خلقی و در چارچوب وضعیت اقتصادی وخیمی که نظام بحران زده سرمایه داری وابسته برای کارگران و توده های ستمدیده ما درست کرده، هزاران تن از زنان زحمتکش که بسیاری از آنها تنها نان آور خانواده هستند، در معرض بیکاری و تعدیات و فشارهای وحشتناک ناشی از آن قرار خواهند گرفت. با تصویب این لایحه بطور طبیعی کارفرمایان ترجیح می دهند از کارگر و کارمند مردی که ساعات بیشتری کار می کنند استفاده کنند و در نتیجه هزاران تن از زنان شاغل در معرض از دست دادن ممر درآمد و جایگزینی نیروی کارشان با کارگران و کارکنان مرد قرار خواهند گرفت. در عین حال که این اقدام ضد خلقی و سرکوبگرانه که به عوامفریبانه ترین وجهی زیر نام "حمایت از مقام و موقعیت زن" توسط یکی از زن ستیز ترین حکومتهای معاصر ما انجام می شود، در عمل زنان را در معرض اجحافات و فشارهای اقتصادی-اجتماعی فزاینده قرار خواهد داد و آنان را هر چه بیشتر به گوشه خانه رانده و از حضور آنان در عرصه کار و فعالیت های اجتماعی هر چه بیشتر خواهد کاست.

در طول قریب به سه دهه از حاکمیت سیاه این رژیم ما شاهد بوده ایم

دلیل اصلی این اقدام زن ستیزانه را برخلاف ادعاهای سردمداران حکومت در مورد توجیحات لایحه کاهش ساعات کاری زنان، باید اساساً در شرایط بحرانی وخیمی دید که نظام سرمایه داری وابسته

بمب گذاری در بلوچستان

به گزارش خبرگزاریهای جمهوری اسلامی در جریان یک بمب گذاری بزرگ که محافل خبری از آن به عنوان "اولین عملیات انتحاری" نام برده اند، در تاریخ ۹ دی ماه، ماشینی که در آن مواد منفجره جا سازی شده بود، در یکی از مراکز نظامی در سراوان بلوچستان منفجر گردید. گروه موسوم به جندالله بلوچستان با صدور اطلاعیه ای مسئولیت این عملیات انتحاری را به عهده گرفت و از گذشته شدن ۱۵۰ نفر خبر داد. این اطلاعیه در ابتدا در برخی سایتهای حکومتی نیز انعکاس پیدا کرد، اما پس از مدتی از آن سایت ها پاک شده و خبرگزاریهای رژیم ضمن تأیید بمب گذاری، تعداد تلفات نیرو های نظامی جمهوری اسلامی را تنها چهار نفر اعلام نمودند.

در شرایط حاکمیت ضد خلقی و دیکتاتوری مطلق العنان رژیم جمهوری اسلامی و بالا گرفتن خشم و نارضایتی توده های ستمدیده بلوچستان بر علیه ظلم و استثمار و سرکوب حکومت، مبارزات عادلانه مردم بلوچستان همچون سایر خلقهای تحت ستم برای تحقق خواستههای عادلانه خود شدت گرفته و بر همین زمینه است که ما شاهدیم که در سالهای اخیر جندالله بلوچستان که نیروی مذهبی و مرتجع می باشد با استفاده از این واقعیت کوشیده است تا بر موج مخالفت و نفرت مردم ستمدیده بلوچستان از بیدادگری های جمهوری اسلامی سوار شده و با انجام عملیات مسلحانه و ضربه زدن به پاسداران رژیم در منطقه، خشم و اعتراض گسترده خلق بلوچ از نظام استثمارگرانه حاکم را از مسیر انقلابی آن خارج و در جهت سیاستهای غیر انقلابی خود کانالیزه نماید.



سرمایه داری جهانی و گرسنگی، قحطی و مرگ در جوامع تحت سلطه

بسیاری از خانواده ها شکم خود و فرزندان خود را با خمیری که از ریشه گیاهان و درختان تهیه می شود و هیچگونه ارزش غذایی ندارد، پر میکنند. علاوه بر سیاستهای ضد خلقی رژیم وابسته موگابه، خشکسالی های پی در پی و بحران افزایش قیمتها در بازار جهانی و فشارهای اقتصادی و محدودیتهایی که دولتهای امپریالیستی و از جمله انگلیس در چارچوب رشد تضادهای غارتگرانه خود با سایر امپریالیستها برای مردم رنجیده این کشور ایجاد کرده اند، همگی مستقیماً در ایجاد این شرایط ناگوار مؤثر بوده اند. به عنوان مثال افزایش بی رویه قیمت بذر و کودهای شیمیایی در بازارهای جهانی موجب کاهش واردات این کالاها به زیمبابوه شده و این امر کاهش تولیدات کشاورزی در این کشور را به دنبال داشته و قحطی و گرسنگی را تشدید کرده است.

علاوه بر گرسنگی، مردم زیمبابوه با انواع بیماری های واگیردار مانند "وبا" نیز درگیر هستند که در اثر عدم وجود آب آشامیدنی و سیستم فاضلاب و زباله در این کشور شایع شده است. در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲۰۰۰ نفر در این کشور در اثر ابتلا به وبا جان خود را از دست دادند. ۱۵ درصد جمعیت این کشور نیز مبتلا به ویروس اچ-آی-وی (ویروسی که منجر به ایدز میشود که هر هفته ۲۵۰۰ نفر از مردم این کشور را به دام مرگ می کشاند) هستند.

زیمبابوه تنها یک نمونه است. با توجه به این واقعیت که اکثر جمعیت جهان را کارگران و کشاورزان و دیگر فقرای شهر و روستا تشکیل میدهند که بیش از ۷۰ درصد از درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی میکنند، در نتیجه در شرایط تشدید بحران، بدلیل ماهیت ضد خلقی و استثمارگرانه نظام سرمایه داری همیشه بار بحران های اقتصادی روی دوش این بخش از جمعیت جهان یعنی طبقه کارگر و خلقهای ستمدیده سرشکن می شود. این توده ها هستند که بدلیل آزمندی سرمایه داران، باید با گرسنگی و قحطی و مرگ دست و پنجه نرم کنند.

نظر گرفت. بطوری که تقریباً تمامی کشورهای بیگانه که هم اکنون بویژه در آفریقا با کمبود و گرانی شدید مواد غذایی روبرو هستند در زمانی نه چندان دور خود تولید کننده و صادر کننده مواد خوراکی و کشاورزی بوده اند. ولی به دلیل وابستگی سیستم اقتصادی و سیاسی این کشورها به امپریالیسم و ماهیت ضد خلقی و وابسته رژیمهای حاکم بر این کشورها، در پروسه از بین رفتن اقتصاد ملی و قدرت تولیدی کشاورزی آنها، حیات و هستی میلیونها کشاورز نیز نابود شده و این کشورها هر چه بیشتر به بازاری برای واردات صرف کالاها و فراورده های تولیدی کمپانی های امپریالیستی کشورهای متروپل تبدیل شده اند. بدیهی است که در چنین شرایطی هر گونه افزایش و یا کاهش قیمت و یا حدود تولید مواد مورد نیاز امپریالیستها، تأثیرات مستقیم و بلاواسطه مرگباری بر زندگی توده های تحت ستم خواهد گذاشت. واقعیتی که امروز ما در کشورهای فوق الذکر شاهد آن هستیم. در نتیجه این سلطه امپریالیسم و سیستم ضد خلقی حاکم بر جوامع تحت سلطه است که عامل اصلی مرگ و نابودی توده های تحت ستم و گرسنه بوده و بحران اقتصادی کنونی تنها ابعاد این فاجعه را هر چه گسترده تر ساخته است.

در چارچوب واقعیت فوق برای اینکه وضعیت کنونی زندگی مردم این مناطق بهتر درک شود به عنوان مثال می توان به آمار مربوط به کشور زیمبابوه رجوع کرد. هم اکنون نیمی از مردم این کشور، یعنی بیش از ۵ میلیون نفر در گرسنگی به سر می برند. میزان "عمر متوسط" در کشور زیمبابوه (مانند اغلب کشورهای آفریقایی) بسیار پائین است. عمر متوسط مردها و زن ها در این کشور بین ۳۲ تا ۳۴ سال می باشد. بیش از ۸۵ درصد از جمعیت زیمبابوه بیکار هستند و بیش از ۹۰ درصد از ساکنین این کشور زیر خط فقر به سر می برند. ۲۸ درصد از کودکان زیر ۵ سال از سوءتغذیه رنج میبرند و

تحت حاکمیت سیاه نظام استثمارگرانه سرمایه داری هیولای فقر و گرسنگی و بیکاری به مثابه جزء لاینفک حاکمیت این نظام هر روز بیش از گذشته گلوی میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم را در چنگال خونین خود می فشارد. علاوه بر این وضعیت ناهنجار، هر بار با وقوع بحرانهای اقتصادی ذاتی و دایمی در این نظام -همانگونه که اکنون نیز شاهدیم- امپریالیستها و طبقات استثمارگر حاکم می کوشند تا برای حفظ سودهای سرسام آور خویش به قیمت قربانی کردن استثمار شوندهگان، بار بحرانهای اقتصادی خود را به صورت کاهش دستمزدهای بخور و نمیر و فقر و بیکاری و ... بر دوش کارگران و توده های تهیدست سرشکن نمایند. در پرتو این واقعیت است که ما می بینیم همزمان با اوج گیری دوباره بحران اقتصادی نظام سرمایه داری و کمبود و گرانی شدید مواد غذایی مورد احتیاج مردم، قحطی در ابعاد وحشتناکی در جوامع فقیر و تحت سلطه بیشتر شده است.

طبق گزارشات منابع مختلف (منجمله گزارش سازمان "FEWS" در رابطه با قحطی) در یکی دوسال اخیر بسیاری از کشورهای آفریقایی در اثر بحران افزایش قیمت مواد غذایی و کالاها کشاورزی در معرض خطر قحطی قرار دارند. در حال حاضر افزایش قیمت محصولات کشاورزی در بسیاری از مناطق کشورهای اتیوپی، سومالی، کنیا شمالی و اوگاندا و زیمبابوه موجب تشدید عواقب خشکسالی شده و حدود ۱۸ میلیون نفر در این مناطق از گرسنگی رنج می برند. در بسیاری از این مناطق ذخایر غلات و دام و حتی علوفه و بذر نیز به اتمام رسیده و روستائیان اجباراً خانه های خود را ترک کرده و آواره صحرا شده اند. برای فهم دلایل وضع وحشتناک کنونی و تأثیرات مرگبار آن بر زندگی توده های محروم باید به واقعیت تحت سلطگی این جوامع توجه کرد و تأثیر سیاستهای خانه خراب کن امپریالیستی در نابودی تدریجی اقتصاد (و بطور برجسته تولیدات کشاورزی) این کشورها و تبدیل آنها به یک بازار صرف ورود کالاها کشاورزی از سوی امپریالیستها را در



وضعیت کارگران نیشکر هفت تپه

گوشه ای از روابط تجاری جمهوری

اسلامی با "شیطان بزرگ"

به گزارش روزنامه بوستون کلوب امریکا کمپانی HEWLETT PACKARD که در کالیفرنیا امریکا قرار دارد علیرغم قوانین تحریمی که در امریکا بر علیه صادرات به ایران وجود دارد با تاسیس یک شرکت رابط در دوی توانسته است بخش بزرگی از بازار چاپ کن های کامپیوتری را در ایران به خود اختصاص دهد. نام شرکت واسطه "ردینکتون خلیج" می باشد که وظیفه اش فروش تولیدات (H P) در ایران می باشد. بر اساس گزارش بوستون کلوب شرکت نامبرده بر اساس آمار سال ۲۰۰۷ توانسته است از طریق "دور زدن" قوانین رسمی و ایجاد شرکتهای واسطه در "دوبی"، به تدریج ۲۱ درصد از بازار چاپ کن (پرینتر) در ایران را به خود اختصاص دهد. علیرغم این واقعیت سخنگوی شرکت مزبور در واکنشهای اولیه نسبت به انتشار این اخبار بویژه از سوی کمپانیهای رقیب امپریالیستی و برای بهره برداریهای ضد خلقی شان به آن دامن زده می شود با فریبکاری تمام نقض تحریم ها را انکار کرده و تاکید نمود که سیاست "کمپانی متبوعش هماهنگی و احترام کامل به قوانین تجارتی ایالات متحده است."

واقعیت این است که علیرغم همه تبلیغات فریبکارانه دولتهای ایران و امریکا، علیرغم سردادن شعارهای "مرگ بر شیطان بزرگ" از سوی سران مزدور جمهوری اسلامی و با خطاب نمودن حکومت جمهوری اسلامی با عناوین "دولت یاعی" و "بنیاد گرای اسلامی" از سوی اربابان امپریالیست این رژیم، در سی سال گذشته روابط اقتصادی این دو دولت هیچ گاه قطع نبوده و آنها مستقیم و غیر مستقیم و مخفیانه و علنی به مبادلات تجاری خود ادامه داده اند.

در چنین چارچوبی ست که جدا از پیشبرد پروژه ها و سیاستهای ضد خلقی امپریالیسم امریکا در سطح بین المللی و منطقه ای توسط رژیم وابسته جمهوری اسلامی، به برکت این حاکمیت وابسته به امپریالیسم، بازارهای پرسود ایران از طریق کمپانی ها و دول واسطه منطقه نظیر دوبی، ترکیه و کره جنوبی و ... بروی سیل کالاها و خدمات شرکتهای امپریالیستی امریکا باز بوده است. توسعه بازار چاپ کن های (H P) امریکایی در ایران که خبر آن امروز بر بستر تضادهای درونی و سودجویانه بین کارتل ها و تراستهای امپریالیستی رو شده، نه اولین و نه آخرین موردی خواهد بود که این واقعیت را به نمایش می گذارد.

به گزارش خبرگزاری "کار" حکومت، رضا رخشان، یکی از فعالان کارگری که از او به عنوان "مسوول روابط عمومی تشکل صنفی کارگران هفت تپه" نام برده شده است اخیراً اعلام کرده که با وجود آنکه هنوز مطالبات کارگران هفت تپه با تاخیر دو ماهه پرداخت می شود و همچنان بیش از سه هزار کارگر این واحد تولیدی نسبت به آینده و امنیت شغلی خود نگران هستند اما در دو ماه گذشته به واسطه حسن اعتماد کارگران به سندیکا هیچ اعتصاب و حرکت اعتراضی مشاهده نشده است."

لازم به ذکر است که در سالهای اخیر هزاران تن از کارگران زحمتکش و مبارز کارخانه نیشکر هفت تپه در اعتراض به تشدید سرکوب و استثمار خود توسط کارفرمایان و سرمایه داران زالو صفت وابسته و در مقابل سیاستهای رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی به مبارزه و مقاومت برخاسته و با سازمان دادن ده ها اعتصاب و اعتراض و تظاهرات به پیگیری خواستها و مطالبات عادلانه خویش پرداختند. در مقابل، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی به جای رسیدگی به درخواستهای عادلانه و طبیعی کارگران هر بار با تشدید سرکوب و به بند کشیدن و مجازات فعالین کارگری کوشیده بود تا اعتراضات کارگری در این کارخانه را پایان داده و سیاستهای ضد خلقی خویش را به پیش ببرد.

نکته قابل توجه در گفته های رضا رخشان، به عنوان مسوول روابط عمومی تشکل صنفی ای که اخیراً برای کارگران هفت تپه تشکیل شده آن است که با تشکیل این تشکل صنفی، در دو ماه گذشته، "هیچ اعتصاب و حرکت اعتراضی مشاهده نشده است". در حالی که مطابق گفته های همین شخص "در مدت مشابه دو سال قبل، به دلیل نبود نهاد مستقل صنفی کارگری، کارگران هفت تپه برای پیگیری مطالبات خود بیش از ۵۰ بار به اعتصاب و حرکت های اعتراضی دست زدند". در چنین شرایطی است که فعال کارگری در ادامه صحبت های خود اضافه کرده است: "در حالی که اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در آغاز تشکیل با مخالفت نهادهای اداری استان خوزستان مواجه بودند" اکنون "این تشکل از سوی مدیریت کارخانه در رابطه با مسائل مربوط به کارخانه نیشکر هفت تپه مورد مشورت و گفتگو قرار می گیرد."

خواست پرداخت دستمزدهای معوقه، اعتراض به شرایط سرکوبگرانه حاکم بر محیط کار و درخواست تشکیل یک تشکل مستقل صنفی و غیر وابسته به حکومت که از حقوق کارگران دفاع کند، همچنان از خواستهای اساسی کارگران در مبارزاتشان می باشد.

لایحه کاهش ساعات کار ... از صفحه ۱

که هر جا که منافع نظام بحران زده حاکم ایجاب کرده دیکتاتوری حاکم با تصویب قوانین هر چه وحشتناکتر ضد زن کوشیده است تا تشدید استثمار و سرکوب طبقات و افشار تحت ستم را با هجوم به زنان و بویژه زنان کارگر و زحمتکش شروع کند. با این تاکتیک، جمهوری اسلامی، در تمام طول حکومت خود هم بر ابعاد استثمار و بهره کشی از نیروی کار ارزان زنان افزوده و هم سعی نموده تا با پنهان ساختن سیاست سرکوب زنان زیر نام اسلام و مذهب، ماهیت ضد خلقی خود و طبقه حاکم را استتار سازد. امروز نیز تلاش برای تصویب لایحه کاهش ساعات کاری زنان شاغل در شرایطی صورت می پذیرد که همین چند ماه قبل دولت مزدور احمدی نژاد در اقدامی مشابه، با طرح لایحه ارتجاعی سهمیه بندی جنسی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کوشید تا با ردالت تمام با روند فزاینده تعداد زنان فارغ التحصیل از دانشگاه ها که هر سال وارد بازار کار شده و به عنوان یک خطر بالقوه و یک بمب ساعت شمار اعتراضی، به لشکر عظیم ذخیره کار در جامعه می پیوندند مقابله کند. رسوایی ادعاهای مقامات رژیم در زمینه تصویب لایحه اخیر بر ضد زنان کارگر و زحمتکش با ادعای کمک به زنان تا آنجاست که بسیاری از زنان وابسته به طبقه حاکم نیز به انتقاد از این طرح برخاسته و از زبان کاربدستان سابق حکومت نظیر زهرا شجاعی مشاور امور زنان در دولت خاتمی اعتراف می کنند که این عمل به "کاهش اشتغال" زنان منجر خواهد شد. لایحه "کاهش ساعات کاری" زنان مناهل و شاغل یک لایحه ارتجاعی ست که نه در حمایت و پاسخ به نیازهای زنان کارگر و کارمند، بلکه با هدف تامین بهتر منافع سرمایه داران و کارفرمایان استثمارگر، تشدید استثمار و تسهیل تضییق قانونی حقوق اولیه آنها سازمان یافته است. این لایحه ارتجاعی در صورت تصویب، موضوع تازه ای را به مطالبات و مبارزات روزمره زنان آگاه و مقاوم ما بر علیه کلیت نظام حاکم خواهد افزود که همانا مبارزه برای لغو این مصوبه ارتجاعی می باشد.



تداوم اعتراضات دانشجویان

در دانشگاه شیراز



در پی جلساتی که اخیراً در حضور مقامات مملکتی در دانشگاه شیراز برگزار شد و در طی آن برخی از دانشجویان معترض اعتراضات شدیدی به سیاستهای حکومتی نموده و برخی از سردمداران رژیم را افساء نمودند، ماشین سرکوب حکومتی حساسیت زیادی به اعتراضات دانشجویی در این دانشگاه پیدا کرده و موجی از دستگیریهای جدید بر علیه دانشجویان مبارز و معترض را سازمان داده است. اما دانشجویان دانشگاه شیراز که مرعوب هجوم دستگاه های امنیتی و بازداشت های اخیر نشده اند، متقابلاً به اعتراض بر علیه این دستگیریها پرداخته اند.

در همین ارتباط روز یکشنبه ۱۵ دی ماه به دنبال بازداشت چهار نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز، دانشجویان این دانشگاه دست به یک تجمع اعتراضی زده و خواهان آزادی دستگیر شده گان شدند. در این تجمع اعتراضی دانشجویان شعار می دادند "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "گر تیر و فتنه بارد جنبش ادامه دارد"، "پینوشه پینوشه ایران شیلی همیشه". در تداوم این حرکت اعتراضی، دانشجویان با فریاد "مرگ بر دیکتاتور" بر یکی از مهمترین خواستههای جنبش دانشجویی انگشت گذاشته و نشان دادند که بر این امر آگاه اند که بدون نابودی رژیم دیکتاتور حاکم، امکان رشد و پیشرفت و تحقق خواستههای عادلانه برای نسل جوان و آگاه مملکت وجود ندارد.

حمایت وسیع مردمی از خبرنگار عراقی و

سوءاستفاده های ضد انقلابی جمهوری اسلامی!

حمایت های معنوی گسترده توده های تحت ستم و آگاه در سراسر جهان از اقدام دلبرانه خبرنگار عراقی بر علیه جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا در اشکال مختلف همچنان ادامه دارد. به دنبال حرکت اعتراضی شیجاعانه منتظر الزیدی خبرنگار مبارز عراقی که با پرتاب کفش های خود به سوی جورج بوش رئیس جمهور آمریکا نفرت و خشم مردم عراق از سالها تجاوز و قتل و جنایت امپریالیستها در این کشور را به نمایش گذاشت نه تنها نام خبرنگار مزبور در تاریخ مبارزات مردم عراق ثبت گردید بلکه مردمی که از بوش و سیاستهای تجاوزگرانه اش نفرت دارند برای نشان دادن این نفرت و ابراز حمایت از خبرنگار مزبور در اقدامی سمبلیک شروع به خرید از همان کفشی نمودند که خبرنگار مزبور به سوی بوش پرتاب کرده بود. به همین دلیل هم به گزارش خبرنگاری فرانسه تقاضای خرید مدل کفشی که منتظرالزیدی با آن بوش را هدف قرار داده بود، به طرز بی سابقه ای افزایش یافت. در همین رابطه رئیس شرکت کفش پیدان که در استانبول ترکیه قرار دارد اعلام نمود که " ما از زمان وقوع این حادثه تا به الان در مجموع ۳۷۰ هزار جفت از این مدل کفش سفارش دریافت کرده ایم." در حالیکه این شرکت به طور طبیعی سالانه تنها قادر به فروش پانزده هزار جفت از مدل کفش هایی که به سوی جورج دبلیو بوش پرتاب شد، بوده است. شرکت مزبور برای این که بتواند به تقاضای موجود جواب بدهد مجبور به استخدام صد ها کارگر جدید شده است.

در رویدادی دیگر در همین ارتباط دستگاه های تبلیغاتی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نیز با مشاهده محبوبیت اقدام خبرنگار عراقی در میان توده ها فریبکارانه به تلاش برای بهره برداری از این اقدام مبارزاتی به نفع مقاصد ارتجاعی و ضد انقلابی خود پرداخته اند. در تبلیغات عوامفریبانه حکومت با تاکید بر "مسلمان" بودن خبرنگار عراقی می کوشند تا اقدام مبارزاتی او را ملهم از "اسلام" که رژیم جمهوری اسلامی خود را "ام القرای" آن می خواند، جلوه دهند. اما این سیاست محبلانه جمهوری اسلامی با واکنش شدید خانواده خبرنگار عراقی مواجه شده و آنها رسماً با اشاره به مردم فریبی جمهوری اسلامی اعلام کردند که از نظر منتظر الزیدی "جمهوری اسلامی" هم "مثل آمریکا" است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در شرایطی به صرافت بهره برداری تبلیغاتی از اقدام خبرنگار عراقی و باصطلاح ضد امپریالیست نمایاندن خویش در افکار عمومی مردم عراق و منطقه افتاده اند که توده های رنجیده عراق بخوبی و در تجربه زندگی روزمره خود چهره ضد مردمی جمهوری اسلامی را شناخته اند. آنها شاهدند که چگونه جمهوری اسلامی از همان اولین روزهای بحران عراق که به لشکرکشی نظامی امپریالیستها و اشغال این کشور منجر شد، در زیر شعارهای عوامفریبانه ضد آمریکایی و اسلامی در عراق در عمل آتش بیار سیاستهای ضد خلقی امپریالیسم آمریکا در این کشور بودند. در ابتدای اشغال عراق، جمهوری اسلامی عملاً با اجازه دادن به ارتش آمریکا در استفاده از حریم هوایی ایران در حمله به عراق و همچنین با کمک به مداوا و حمل و نقل نیروهای نظامی آمریکا، دولت بوش را در پیشبرد اهداف تجاوزکارانه خویش یاری داد. همین رژیم امروز نیز در حالی شعارهای ضد آمریکایی و ضد اشغالگری را سر می دهد که درست در همان زمان با حمایت و تسلیح دارو دسته های مزدور اسلامی وابسته و ارتجاعی - که آمریکا آنها را دلیل تداوم حضور نظامی خود در عراق و منطقه جا می زند- زمینه پیشرفت این سیاستهای ضد خلقی امپریالیستها را فراهم کرد بر علیه مردم تحت ستم عراق را مهیا می سازد.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfg@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پرویز باد انقلاب!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

زنده باد کمونیزم!

